

درباره شرایط منجر به پایان جنگ تحمیلی و برخی شبهات مطرح شده پیرامون آن

# نه خیلی دور نه خیلی نزدیک

■ حسین زباری

ارائه شد و همچنین با توجه به جنبه‌های مثبت قطعنامه ۵۹۸ که هرچند به صراحت و فوریت شرط‌های ایران را بیان نمی‌کرد اما براساس آن ایران می‌توانست امیدوار باشد تا اهداف و شرایط مدنظرش برای صلح را به تدریج و با اجرایی شدن قطعنامه به دست بیاورد، در نهایت حضرت امام(ره) تصمیم‌گیری درباره آینده جنگ را به شورای مشورتی جمعی از مسؤولان عالی‌رتبه نظام موکول کردند و براساس نظر مسؤولان کشور مبنی بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸، حضرت امام(ره) نظر آنها را پذیرفتند و ایران رسماً اعلام کرد قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفته است.

## ■ حمله صدام پس از پذیرش قطعنامه

پس از اینکه ایران اعلام کرد قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت، عراق برخلاف ادعایی که پیش از این مطرح کرده بود که در صورت پذیرش ایران، قطعنامه را می‌پذیرد؛ از جنوب به کشورمان حمله کرد و از غرب هم با آتش توپخانه از حمله منافقین پشتیبانی کرد. مردم ایران که پیام تاریخی حضرت امام(ره) در پذیرش قطعنامه را شنیده بودند با حمله مجدد عراق به خاک کشورمان با شوری بیشتر به سوی جبهه‌ها سرازیر شدند و دشمن را به عقب راندند. این اقدام عراق پس از پذیرش قطعنامه از سوی ایران موجب شد فضای افکار عمومی جهان کاملاً برعکس شود و تمام تبلیغات رسانه‌ای جریان سلطه در جنگ‌طلب نشان دادن ایران نقش بر آب شده و بر همگان تعدی و خوی تجاوزگری رژیم بعثی آشکار شود و سازمان ملل و غربی‌ها مجبور شدند با اعمال فشار به صدام، عراق را مجبور به پذیرش آتش‌بس کنند.

## ■ دستیابی تدریجی ایران به اهدافش

مذاکرات سه‌جانبه ایران، عراق و سازمان ملل پیرامون آتش‌بس و اجرای قطعنامه ۵۹۸ آغاز شد و طی مذاکرات طولانی در نهایت ایران به تمام اهداف و شرایطش برای صلح رسید؛ سازمان ملل اذعان به نقض صلح و تجاوز کرد، عراق مجبور به قبول آیین‌نامه اجرایی قطعنامه شد، صدام به طور رسمی طی نامه‌ای در ۲۳ مرداد ۱۳۶۹ قرارداد الجزایر را پذیرفت و به طور کامل با کویت صدام ایران عقب‌نشینی کرد، روند آزادسازی اسرا آغاز شد و اسرای ۲ کشور مبادله شدند و سازمان ملل در ۱۸ آذر ۱۳۷۰ طی یک گزارش ۹ بندی نظر خود را مبنی بر اینکه عراق آغازگر جنگ بوده است، اعلام کرد. البته سازمان ملل به‌رغم نظر ایران مبنی بر خسارت هزار میلیارد دلاری از جنگ، تنها یک‌دهم آن یعنی خسارت ۱۰۰ میلیارد دلاری ایران از جنگ را پذیرفت و طی جنگ عراق با کویت صدام برای در امان ماندن هواپیماهای خود از حملات نیروهای ائتلاف آمریکایی به نقل از منابع آمریکایی ۱۳۰ فروند هواپیما از انواع جنگی و ترابری و مسافری خود را

به ایران منتقل کرد و ایران هیچ‌گاه آنها را به عراق تحویل نداد و آنها را به نوعی در ازای بخشی از غرامت خود در نظر گرفت. همانطور که می‌بینید ایران به تمام شرایط خود دست یافت اما شاید نه به صورت یک‌باره و فوری، بلکه این کار بتدریج و با فاصله ۳-۲ ساله انجام شد. حتی اگر تنبیه متجاوز را به معنی سقوط صدام در نظر بگیریم یا حتی آزادی ملت عراق از بند رژیم بعث را از اهداف خود در جنگ بدانیم، باز هم می‌بینیم که مدت‌هاست به این اهداف هم دست پیدا کرده‌ایم.

حضرت امام خمینی(ره) در پاسخ خود به تحلیل‌های غلطی که در بهمن ماه ۶۷ از زبان ساهداندیشان درباره

نفع خود تغییر دهد. با این وجود و به دلایلی از جمله دست برتر نظامی ایران در عرصه نبرد و نیز نرمش سازمان ملل در تدوین قطعنامه ۵۹۸ برای به دست آوردن رضایت ایران پس از قدرتمندی کشورمان و همچنین بی‌اعتمادی ایران به سازمان ملل و بی‌طرفی آن و نداشتن اطمینان به اجرایی شدن قطعنامه باعث شد با اینکه ایران ۵۹۸ را از قطعنامه‌های قبلی به مراتب بهتر می‌دانست اما در برابر آن موضع نه‌رد و نه تأیید را اتخاذ کند تا بتواند از فرصت چانه‌زنی استفاده کرده و طی مذاکرات درباره قطعنامه و تدوین آیین‌نامه اجرایی آن که طبق قطعنامه قرار بود دبیرکل آن را آماده کند، تمام شرایط خود را به دست آورده و به طور روشن در قطعنامه و آیین‌نامه اجرایی آن بگنجاند.

## ■ از تیر ۶۶ تا تیر ۶۷

در فاصله تیر ماه ۶۶ که قطعنامه ۵۹۸ صادر شد تا تیر ماه ۶۷ که ایران قطعنامه را پذیرفت، مسؤولان خدمت حضرت امام(ره) رسیدند و تصمیم گرفتند تا در ۲ بخش نظامی و سیاسی کارها به این ترتیب دنبال شود. در بخش نظامی تلاش برای حفظ پیروزی‌های به دست آمده و با قدرت ادامه دادن عملیات زمینی و تجهیز نیروها که منجر به تشکیل سناد کل شد، راهبرد اصلی قرار گرفت. در بخش سیاسی هم تلاش برای رسیدن به قطعنامه‌ای که ایران را به اهدافش برساند در دستور کار مذاکرات قرار گرفت، البته این بخش از تلاش‌ها خیلی کند پیش می‌رفت، چرا که سازمان ملل از ابتدا نشان داده بود به هیچ وجه به دنبال برآوردن خواسته‌های ایران نیست مگر آنکه دست برتر ایران در عرصه واقعی جایگاه او را در میز مذاکرات بالاتر ببرد. مرحوم هاشمی رفسنجانی درباره تلاش‌های سیاسی انجام شده در این فاصله می‌گوید: «ماه‌ها تلاش شد تا ترتیب ۲ بند آتش‌بس و برگشت به مرزهای بین‌المللی عوض شود، چرا که اگر آتش‌بس قبل از برگشت به مرزها بود، چه بسا سال‌ها عراق در سرزمین‌های اشغال شده بویژه در حوالی نفت‌شهر می‌ماند و هرگونه واکنش ایران را نقض آتش‌بس معرفی می‌کرد».

## ■ واقعیت‌های عرصه سیاسی و نظامی در سال ۶۷

روند مذاکرات و تبدیل قطعنامه و آیین‌نامه به شرایط مطلوب‌تر از نظر ایران به کندی پیش می‌رفت. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط عراق در صورتی که ایران آن را بدون قید و شرط بپذیرد از یک سو و عدم پاسخ‌دهی شفاف ایران به پذیرش یا رد قطعنامه از سوی دیگر باعث شده بود که هجده رسانه‌ای و تبلیغاتی دشمن علیه ایران بیش از پیش شود تا جایی که در فضای افکار عمومی جهان جای جلاجل و شهید عوض شده بود و در تبلیغات رسانه‌ای ایران بود که جنگ‌طلب معرفی می‌شد. همچنین

با تصویب قطعنامه‌ای مبنی بر تشدید ممنوعیت فروش سلاح به ایران، فشار دیگری به کشورمان اعمال شد. آمریکا برای وادار کردن ایران به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به فاز درگیری نظامی با ایران وارد شد که از جمله آنها می‌توان به حمله به کشتی ایران ارج، درگیری با نیروی دریایی ایران در خلیج فارس، حمله به سکوهای نفتی ایران و در نهایت حمله به هواپیمای مسافری اشاره کرد.

در بخش اقتصادی هم عربستان با افزایش تولید نفت باعث شده بود قیمت نفت با کاهش روبه‌رو شود و حتی به قیمت بشکه‌ای ۵ دلار برسد تا بسیاری بیشتر از گذشته فشارهای اقتصادی بر ایران وارد شود. در عرصه نظامی هم با همه تلاش‌ها برای حفظ موقعیت برتر اما از اواخر سال ۶۶ در عرصه نظامی متحمل شکست شدید و عراق توانست تصرفات ایران را پس بگیرد. از طرف دیگر عراق دست به حمله شیمیایی زد که منجر به شهادت فجیع بسیاری از مردم غیرنظامی شهرها شد و این نگرانی در مسؤولان ایجاد شد که اگر صدام در یکی از شهرهای مهم ایران دست به حمله شیمیایی بزند چه فاجعه‌ای رخ خواهد داد.

## ■ تصمیم نهایی با مشورت مسؤولان

با توجه به واقعیت‌های عرصه سیاسی، نظامی و اقتصادی و نیز نامه‌های مسؤولان نظامی و اقتصادی که به حضرت امام(ره)

تصمیم به ادامه دفاع گرفت.

## ■ شرایط صلح ایران

اما شرط‌های ایران برای صلح چه بود؟ حضرت امام خمینی (ره) بارها شرایط ایران را در سخنرانی‌های عمومی و در صحبت‌های‌شان با میانه‌جی‌ها بیان کرده‌اند. شرایطی که هر انسان شرافتمند و عاقلی بر لزوم آن شرایط صحنه می‌گذارد. امام(ره) ۱۱ شهریور ماه ۶۱ در جمع دانشجویان دانشکده افسری می‌فرماید: «ما باز هم تکرار می‌کنیم این معنا را که ما یک مردمی هستیم که برای خاطر اسلام دفاع داریم می‌کنیم؛ هجوم به ما شده است و هجوم را دفاع می‌کنیم و از اول هم همین بود، لکن در عین حال از اول هم صلح‌طلب بودیم- و صلح یکی از اموری است که ما به تبع اسلام قبول کردیم، صلح اسلامی، صلحی که برادر می‌شوند بعد از صلح- و ما طالب این صلح هستیم اما صلحی که اصلاً اعتنا نکنند به اینکه جنایت کردند در اینجا و اعتنا نکنند به اینکه غراماتی وارد شده است و باید جبران بکنند، خساراتی وارد شده است و باید جبران بکنند، این اسمش «صلح» نیست، این اسمش را باید بگذاریم «صلح صدامی» این صلح نیست، صلحی که بخواهند یک مملکتی را بچاپند و یک مملکتی را خراب و ویران کنند. و الآن هم نفت شهر را نفت‌هایش را آتش زدند؛ برای اینکه احتیاطاً آتش بگیرد که وقتی که بیرون‌شان کردند، نفت‌ها کم شده باشند. ما با یک همچو موجوداتی طرف هستیم! ما چطور می‌توانیم همین طوری بی‌قید و شرط بنشینیم و صحبت کنیم و مصالحه کنیم؟ شورای امنیت هم اگر بگوید، ما نمی‌پذیریم. همه عالم بگویند، ما این طور صلح را نمی‌توانیم بپذیریم. هیچ عاقلی این صلح را نمی‌پذیرد، تمام هیات‌هایی که اینجا آمدند از اول و بعد هم شاید بیایند، می‌بینند که ما یک صحبت فقط داریم، ما صلح را قبول داریم، ما از صلح استقبال می‌کنیم، لکن یک صلح شرافتمندانه اسلامی، صلحی که باید بفهمند که متجاوز چه کرده است، صلحی که باید خسارات این کشور جبران بشود، نه صلحی که از آن طرف بگویند؛ صلح، از آن طرف بفرستد و توپ‌ها را ببندد به مردم بی‌گناه بی‌چاره».

بر این اساس می‌توان شرایط صلح شرافتمندانه و عادلانه ایران را اینگونه بیان کرد:

- ۱- قبول تجاوز
- ۲- تعیین متجاوز
- ۳- پرداخت غرامت و جبران خسارت‌های ناشی از تجاوز
- ۴- تضمین عدم تجاوز

## ■ بر تری ایران و صدور قطعنامه ۵۹۸

قطعنامه ۵۹۸ در ۲۹ تیر ماه ۱۳۶۶ با رای مثبت همه اعضای شورای امنیت سازمان ملل به تصویب رسید؛ زمانی که ایران توانست به موازنه جنگ را با عملیات‌های متعدد به نفع خود تغییر دهد. پیروزی‌های ایران در ۲ عملیات بزرگ والفجر ۸ و کربلای ۵ و همچنین نتایج به دست آمده از دیگر عملیات‌های نه چندان بزرگ (سلسله عملیات‌های فتح، کربلا، والفجر ۹ و نصر) که تا حدودی ایران را به اهدافش در آن عملیات‌ها رسانده بود، بیش از پیش جریان سلطه جهانی را به این نقطه رساند که با ابزار سازمان ملل به سمت پایان دادن به جنگ حرکت کنند. لازم است که بدانیم غرب و شرق و در رأس آنها آمریکا و شوروی بعد از فتح خرمشهر توسط ایران از یک سو از هیچ کوشش سیاسی و نظامی برای کمک به صدام دریغ نکردند؛ از ارسال تسلیحات پیشرفته گرفته تا در اختیار گذاشتن اطلاعات نظامی که از جمله آنها می‌توان به دراختیار گذاشتن تصاویر ماهواره‌ای عملیات کربلای ۴ توسط آمریکایی‌ها به رژیم بعثی اشاره کرد که منجر به شکست عملیات وینشهادت غواصان دلآور و رسیدن ایران شد و از دیگر سو در مقابله با ایران از همه توان خود از هجمه رسانه‌ای گرفته تا تحریم‌های اقتصادی و تسلیحاتی و کارشکنی‌های سیاسی برای سرکوب و تحت فشار گذاشتن ایران استفاده کردند. در چنین شرایطی تنها واقعیت‌های صحنه نبرد و پیروزی‌های ایران آنان را وادار به تصویب قطعنامه ۵۹۸ کرد.

## ■ ویژگی‌های قطعنامه ۵۹۸

قطعنامه ۵۹۸ با قطعنامه‌های پیشین خود متفاوت بود؛ هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت و هم از نظر ادبیات. قطعنامه ۵۹۸ مفصل‌ترین قطعنامه‌ای است که درباره جنگ ایران و عراق به تصویب رسیده و ادبیات به کار رفته در آن حالت آمرانه دارد، برخلاف قطعنامه‌های قبلی که حالت توصیه‌ای داشت، همچنین در آن از عبارت «منازعه بین ایران و عراق» به جای «وضعیت بین ایران و عراق» استفاده شده که اذعان به پدید آمدن تجاوز و پیش آمدن حالت جنگ بین ۲ کشور بود و برای نخستین‌بار در آن به موضوع تعیین متجاوز توسط یک گروه بی‌طرف و مورد تأیید سازمان ملل اشاره شده بود؛ موضوعی که در ادامه خود پرداخت غرامت توسط متجاوز را در پی داشت و در قطعنامه نیز ذکر شده بود. همچنین درخواست می‌کرد تا دبیرکل با همکاری ایران و عراق و کشورهای منطقه راه‌های افزایش امنیت و ثبات منطقه را مورد بررسی قرار دهد که به نوعی می‌شد آن را تلاش برای عدم تجاوز مجدد به خاک ایران تعبیر کرد.

## ■ قطعنامه‌ای نزدیک به شرایط ایران

قطعنامه ۵۹۸ به گونه‌ای تنظیم شده بود تا بتواند نظر مساعد ایران را جلب کند. از ادبیات به کار رفته در قطعنامه تا بیان عبارتها و راه‌حل‌هایی برای تحقق شرط‌های ایران همه از این واقعیت می‌گوید که ایران توانسته بود با مقاومت خود و با دست‌های پر در عرصه واقعی نبرد میز مذاکره را به



ایران از جمله ارتفاعات داغ، میمک، قلاویزان و شهرهای نفت‌شهر، سومار و مهران در اشغال دشمن یعنی بود و هر چند عراق بر اثر پیروزی‌های ایران به تکاپو برای جلب حمایت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای پایان دادن به جنگ افتاده بود اما همچنان بر موضع خود مبنی بر به رسمیت نشناختن قرارداد الجزایر پافشاری داشت.

از طرفی قطعنامه‌های ۵۱۴ و ۵۲۲ که در سال ۶۱ به تصویب رسید به هیچ وجه دربردارنده خواسته‌های عادلانه و شرافتمندانه ایران نبود و تنها به آتش‌بس و بازگشت به مرزهای بین‌المللی اشاره داشت، آن هم زمانی که بخش بسیار قابل ملاحظه و زیادی از اراضی اشغال‌شده ایران با رشادات فرزنداناش از اشغال آزاد شده بود. لحن این قطعنامه‌ها هم توصیه‌ای بود و حالت آمرانه نداشت و طی آن توصیه کرده بود به تلاش‌های میانه‌جی‌گرایانه برای دستیابی به یک راه‌حل عادلانه و شرافتمندانه که مورد قبول دو طرف باشد؛ توصیه‌ای که هیچ یک از هیأت‌های میانه‌جی برای اجرای آن وارد عمل نشد و تنها شایعه پرداخت غرامت از سوی برخی کشورهای عربی منطقه مطرح شد که فقط در حد شایعه ماند و هیچ اقدام عملی صورت نگرفت.

ایران به تجربه آموخته بود که سازمان ملل به هیچ وجه تکیه‌گاه محکمی نخواهد بود، چرا که از آغاز جنگ تا آن زمان به طور یکجانبه در حمایت از صدام گام برداشته بود. سازمان ملل در قطعنامه ۴۹۷ خود که نخستین قطعنامه درباره جنگ ایران و عراق است از کلمه «وضعیت» و عبارت «بررسی وضعیت میان ایران و عراق» استفاده کرده بود و نه حمله عراق به ایران.

از سوی دیگر در حالی که ایران در نوار پیروزی قرار داشت، پذیرش آتش‌بس و صلح ناپایدار در هنگام قدرت و دادن فرصت مجدد به عراق، زبان‌هایی به بار می‌آورد. اگر آن روز جنگ متوقف می‌شد و تجربه‌ای چون مذاکرات سوریه و اسرائیل، بر سر ارتفاعات جولان، فراروی قرار می‌گرفت و ما ناچار می‌شدیم بر سر سایر مناطق تحت اشغال، پشت میز مذاکره با عراق چانه‌زنی بی‌حاصل کنیم؛ امروز جامعه، مسؤولان وقت را شتامت می‌کردند.

از نظر نظامی نیز امکان پدافند با توقف روی خط مرزی وجود نداشت، زیرا در اغلب نقاط مرزی هیچ‌گونه مانع طبیعی وجود نداشت و ایجاد استحکامات جدید نیز یک سال به طول می‌انجامید و طی این مدت احتمال حمله مجدد عراق جدی بود. مهم‌تر اینکه با تکیه بر اصل متعارف نظامی «تعقیب دشمن»، هرگونه توقف پس از فتح خرمشهر یک حرکت غیراصولی بود.

با توجه به این واقعیت‌ها امام نظرشان این بود که جنگ پس از فتح خرمشهر نیز ادامه یابد و وظیفه و تکلیف این است که برای رفع فتنه بچنگیم و مصلحت نظام اسلامی و کشور در این است که دشمن را از خاک خود بیرون کنیم و از آنجا که در دنیای آن روز تنها بودیم برای به دست آوردن عزت و رسیدن به شروط حداقلی خود برای صلح، بچنگیم. در آن ۲ سال آموخته بودیم باید برای پایان دادن به جنگ دست برتر را در عرصه واقعی نبرد داشته باشیم و بر اساس همین نگاه‌ها مسؤولان نظامی و سیاسی وقت در قالب شورای عالی دفاع به حضرت امام(ره) پیشنهاد رفتن به خاک دشمن را دادند و حضرت امام(ره) با توجه به واقعیات و بر اساس عقلانیت و تجربه و نظر شورای عالی دفاع، ادامه جنگ و رفتن به خاک دشمن را پذیرفتند با این شرط که در ورود به خاک دشمن محل‌هایی انتخاب شود که یا مردم نباشند یا مردم کمتری حضور داشته باشند. بدین ترتیب ایران به دلیل عدم وجود پیشنهاد یک صلح واقعی که شرط‌های ایران در آن باشد،

از ۳۱ شهریور ۷۲ مهر به یاد ۸ سال مقاومت و دفاع مردم ایران به عنوان هفته دفاع‌مقدس نامگذاری شده است؛ روزهایی که یادآور نخستین روزهای حمله رژیم بعث عراق به ایران است و همین نکته مدت‌هاست این سوال را ایجاد کرده که چرا به جای روزهای پایانی جنگ، روزهای آغازین آن به عنوان یادبود روزهای ایثار و شهادت انتخاب شده است. سوالی که محسن رضایی، فرمانده سپاه در زمان جنگ، در پاسخ به آن می‌گوید به مسؤولان پیشنهاد داده هفته پایانی مرداد ماه که روزهای آخر جنگ بوده، باید برای این مناسبت انتخاب شود اما عده‌ای از مسؤولان پایان جنگ را مصادف با پذیرش قطعنامه یعنی هفته پایانی تیرماه می‌دانند و همین مسأله و تعبیر «جام زهر» که در پیام حضرت امام(ره) آمده باعث شده آنها در تصمیم خود به جای پایان جنگ آغاز آن را به این مناسبت اختصاص دهند.

## ■ چالش مهم جنگ تحمیلی

فارغ از بحث اینکه کدام یک از این زمان‌ها برای عنوان هفته دفاع‌مقدس مناسب‌تر است؛ شاید اساسی‌ترین مسأله دفاع‌مقدس از آغاز آن تا به امروز مسأله

پایان جنگ بوده، پایانی که به زعم بعضی افراد در سال ۶۱ و بعد از فتح خرمشهر در دسترس بوده اما ایران آن را تا ۶ سال بعد به تأخیر می‌اندازد و در شرایطی آن را می‌پذیرد که گویی ناچار به پذیرش آن بوده است. اتفاق همین تحلیل برآمده از یک نگاه غیرواقع‌بینانه باعث می‌شود منافقین بعد از پذیرش قطعنامه توسط ایران مطمئن شوند که حالا وقت مناسبی برای حمله به ایران است، چرا که به‌زعم آنها نظام ایران در روز پذیرش قطعنامه در ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین وضع خود قرار گرفته بوده است و همین تحلیل غلط منجر می‌شود تا فروغ جاویدان در مرصاد شروع نشده به پایان برسد و در عرصه واقعی نشان دهد که قیوم قطعنامه

از سر ضعف و ناچاری نظام نبوده، بلکه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ تصمیمی بر پایه یک خرد جمعی و بر اساس واقع‌بینی بوده است.

## ■ نادم و پشیمان نیستیم

اما تنها منافقین نبودند که تحلیل غلطی درباره پذیرش قطعنامه و پایان جنگ داشتند؛ در داخل هم این تحلیل که ما در جنگ شکست خوردیم و در نهایت امام مجبور به پذیرش قطعنامه و آتش‌بس شدند، به گوش می‌رسید. جریان لیبرال که از آغاز جنگ تنها نظاره‌گر میدان بود و همواره در این مسیر بار خاطر بود تا بار شاطر در بی‌القای این تحلیل و ایجاد حس شکست و یأس در مردم و مسؤولان بود و در نهایت هم توانست تحلیل‌های غلط خود را در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی از دهان قائم مقام رهبری و از تریبون رسمی نظام ابراز کند که البته با پاسخ قاطع امام مواجه شد.

امام فرمودند: «من در اینجا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهیدا و جانبازان به خاطر تحلیل‌های غلط این روزها رسماً معذرت می‌خواهم و از خداوند می‌خواهم مرا در کنار شهدای جنگ تحمیلی بپذیرد. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم».

## ■ واقعیت‌های عرصه نظامی و سیاسی در سال ۶۱

اما چرا در جنگ یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم؟ آنهایی که می‌گویند ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر درست نبود، براساس کدام واقع‌بینی و واقعیت‌های میدانی این حرف را می‌زنند؟ واقعیت‌های صحنه نظامی و سیاسی پس از فتح خرمشهر نشان می‌دهد که با وجود پیروزی‌های ایران و آزادسازی بخش بزرگی از سرزمین‌های اشغال شده اما همچنان ۲ هزار و ۵۰۰ کیلومتر از خاک

